

دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ی الهیات

پایان نامه
جهت أخذ درجه ی کارشناسی ارشد
رشته ی علوم قرآن و حدیث

عنوان
روش شناسی و نقد و بررسی
«البرهان فی تفسیر القرآن»

استاد راهنما
دکتر محمدعلی مهدوی راد

استاد مشاور
دکتر پروین بهارزاده

دانشجو
رقیه علیزاده

خرداد ۸۷

دانشگاه الزهراء (س)
دانشکده ی الهیات

پایان نامه
جهت أخذ درجه ی کارشناسی ارشد
رشته ی علوم قرآن و حدیث

عنوان
روش شناسی و نقد و بررسی
«البرهان فی تفسیر القرآن»

استاد راهنما
دکتر محمدعلی مهدوی راد

دانشجو
رقیه علیزاده

خرداد ۸۷

تقدیر و تشکر

با سپاس بیکران به درگاه احدیت اینجانب بر خود لازم می دانم از تمامی کسانی که به نحوی مرا در تنظیم این تحقیق یاری کرده اند، قدردانی و سپاسگذاری کنم؛ مخصوصاً از استاد راهنمای محترم، جناب آقای دکتر مهدوی راد و استاد مشاور ارجمند، سرکار خانم دکتر بهارزاده که تلاش شایانی در این زمینه به عمل آورده و با درایت و متانت، مرا از راهنمایی های پرفیض خودشان بهره مند ساختند. صحت و موفقیت بیش از پیش آنان و خانواده ی محترمشان را از خداوند متعال خواستارم.

و از کلیه ی اساتید محترم که در طول تحصیل یاریم نمودند؛ از اساتید داور که زحمت ارزیابی رامتحمّل شدند؛ هم چنین از مسؤولین محترم آموزش و مسؤولین کتابخانه ی دانشکده ی الهیات و دیگر کتابخانه ها صمیمانه سپاسگذارم.

و در نهایت از همسر عزیز و پدر و مادر مهربانم که با صبر و عطف مرا همراهی کرده و هرگونه زحمتی را برای تکمیل این رساله برعهده گرفتند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

تقدیم به

حافظان حرمت ثقلین،

آنانی که در نشر علوم اهل بیت (ع)

خالصانه گام برمی دارند.



Abstract

Justifiability interpretation is one of the oldest interpretative types that has been formed for explaining and expressing divine verses and "Tafsir Al-borhan" is one of the important justifiability interpretations of Shieh.

This project was accomplished to give an analytical report of Tafsir Al-borhan and investigate and criticize different faces of it. At first it focuses on justifiability interpretation its howness and the authenticity of Tafsir traditions. Then it has attended to sources of justifiability interpretation and reported the origins of justifiability interpretation from Shieh and Sonni s viewpoint. In this study history of justifiability interpretation was briefly mentioned to clarify the way that Tafsir Al-borhan was written and also different interpretations that were codified by justifiability method were mentioned

Discussion of Tafsir Borhan was followed by biography of the author. Presentation of Tafsir Al-borhan forms the main body of this project in which Tafsir Borhan s methodology its content the motivation behind its publication and Bahrany s method in reporting traditions were discussed

We know that section titles occasionally imply author s principles and tenets obviously and oriented. Therefore sixteenfold titles of Tafsir s introduction were analyzed and reported to reflect the author s idea. Justifiability interpretation embraces interpretative paraphrastic and adaptive types. So in one section of this project interpretative types were reported. and finally this project included a glance to the content and criticism of some Tafsir traditions and tracing Israeliat and fictitious traditions in Tasir.

Keywords: Interpretation, Justifiability, Fictitious, Israeliat, Al-Borhan, Bahrany, Tradition.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه-----
۴	مسأله ی پژوهش و تبیین آن -----
۴	پرسش های پژوهش (پرسش های فرعی) -----
۴	فرضیات پژوهش -----
۴	اهداف پژوهش و ضرورت آن -----
۵	پیشینه ی پژوهش -----
فصل اول: آشنایی با تفسیر مأثور	
۷	۱-۱- مصطلحات تفسیر مأثور-----
۷	۱-۱-۱- معنای لغوی تفسیر-----
۹	۲-۱-۱- معنای اصطلاحی تفسیر-----
۱۰	۳-۱-۱- معنای لغوی اثر-----
۱۱	۴-۱-۱- معنای اصطلاحی اثر-----
۱۴	۵-۱-۱- اصطلاح تفسیر مأثور-----
۱۴	۶-۱-۱- اقسام روایات-----
۱۵	۱-۶-۱-۱- روایات تفسیری (تبیینی)-----
۱۵	۲-۶-۱-۱- روایات جری و انطباق-----
۱۷	۳-۶-۱-۱- روایات بطن-----
۱۹	۲-۱- مصادر تفسیر مأثور-----
۱۹	۱-۲-۱- پیامبر اکرم (ص)-----
۲۱	۲-۲-۱- اهل بیت (ع)-----
۲۶	۳-۲-۱- صحابه-----

- ۳۰-۴-۲-۱- تابعین-----
- ۳۳-۳-۱- جایگاه تفسیر مآثور-----
- ۳۳-۱-۳-۱- حجیت روایات مآثور از پیامبر(ص)-----
- ۳۳-۱-۱-۳-۱- دلائل قرآنی-----
- ۳۵-۲-۱-۳-۱- دلائل روائی-----
- ۳۶-۴-۱-۳-۱- دلیل عقلی-----
- ۳۶-۲-۳-۱- حجیت روایات مآثور از اهل بیت (ع)-----
- ۳۷-۱-۲-۳-۱- دلیل قرآنی-----
- ۴۱-۲-۲-۳-۱- دلائل روائی-----
- ۴۳-۳-۳-۱- حجیت روایات مآثور از صحابه (و تابعین)-----
- ۴۴-۱-۲-۳-۱- دلائل قرآنی-----
- ۴۴-۲-۲-۳-۱- دلائل روائی-----

فصل دوم: پیشینه ی تفسیر روایی تا زمان سید بحرانی

- ۴۸-۱-۲- تفسیر المنسوب إلى الإمام حسن العسكري (ع)-----
- ۴۸-۱-۱-۲- معرفی مؤلف-----
- ۴۹-۲-۱-۲- معرفی تفسیر-----
- ۵۲-۲-۲- تفسیر القمی-----
- ۵۲-۱-۲-۲- معرفی مؤلف-----
- ۵۵-۲-۲-۲- معرفی تفسیر-----
- ۵۸-۳-۲- تفسیر العیاشی-----
- ۵۸-۱-۳-۲- معرفی مؤلف-----
- ۶۰-۲-۳-۲- معرفی تفسیر-----
- ۶۳-۴-۲- تفسیر فرات الکوفی-----
- ۶۳-۱-۴-۲- معرفی مؤلف-----
- ۶۴-۲-۴-۲- معرفی تفسیر-----
- ۶۷-۵-۲- تفسیر النعمانی-----

- ۶۷-۱-۵-۲- معرفى مؤلف-----
- ۶۸-۲-۵-۲- معرفى تفسير-----
- ۷۳-۶-۲- تفسير نور الثقلين-----
- ۷۳-۱-۶-۲- معرفى مؤلف-----
- ۷۳-۲-۶-۲- معرفى تفسير-----

فصل سوم: تفسير «البرهان فى تفسير القرآن»

- ۷۹-۱-۳- شرح حال سيد هاشم بحراني-----
- ۷۹-۱-۱-۳- ولادت-----
- ۷۹-۲-۱-۳- موقعيت بحرين-----
- ۸۱-۳-۱-۳- حيات علمى-----
- ۸۳-۴-۱-۳- روش علمى و مكتب تفسيرى وى-----
- ۸۴-۵-۱-۳- اساتيد و شاگردان-----
- ۸۵-۶-۱-۳- پرهيزكارى و خدمات سيد بحراني-----
- ۸۶-۷-۱-۳- نگاه كلّى انديشمندان به شخصيت علمى علامه بحراني-----
- ۸۷-۸-۱-۳- گنجينه ى بحراني-----
- ۸۹-۹-۱-۳- عروج ملكوتى-----
- ۹۰-۲-۳- معرفى تفسير «البرهان فى تفسير القرآن»-----
- ۹۲-۱-۲-۳- روش شناسى «البرهان فى تفسير القرآن»-----
- ۹۲-۱-۱-۲-۳- محتواى تفسير-----
- ۹۶-۲-۱-۲-۳- عناوين ابواب-----
- ۹۷-۳-۱-۲-۳- سبب تأليف كتاب-----
- ۹۸-۴-۱-۲-۳- ساختار كلّى كتاب-----
- ۱۰۱-۵-۱-۲-۳- نمونه هاى براى انواع روايات-----
- ۱۰۲-۱-۵-۱-۲-۳- چند نمونه روايت تفسيرى-----
- ۱۰۳-۲-۵-۱-۲-۳- چند نمونه روايات جرى-----
- ۱۰۹-۳-۵-۱-۲-۳- چند نمونه روايات بطن-----

- ۱۱۳-۲-۳-۱-۵-۴- نمونه هایی برای گونه های روایت تفسیری-----
- ۱۱۳-۲-۳-۱-۵-۴- تبیین مجمل-----
- ۱۲۰-۲-۳-۱-۵-۴- تخصیص عام-----
- ۱۲۲-۲-۳-۱-۵-۴- تقیید اطلاق-----
- ۱۲۴-۲-۳-۱-۵-۴- توضیح مفاهیم شرعی-----
- ۱۲۶-۲-۳-۱-۵-۵- تفصیل احکام-----
- ۱۳۰-۲-۳-۱-۵-۶- بیان ناسخ و منسوخ-----
- ۱۳۳-۲-۲-۳- بررسی «البرهان فی تفسیرالقرآن»-----
- ۱۳۳-۲-۲-۱- تأملی در ابعاد فکری سیدهاشم بحرانی-----
- ۱۷۲-۲-۲-۲-۳- امتیازات کتاب-----
- ۱۷۴-۲-۲-۳- ملاحظاتی پیرامون مصادر کتاب-----
- ۱۷۶-۲-۲-۴- نسخه ها کتاب-----
- ۱۷۷-۲-۲-۵- کاستی های کتاب-----
- ۱۸۱-۲-۲-۳- نقد «البرهان فی تفسیرالقرآن»-----
- ۱۸۱-۲-۳-۱- مجعولات و موضوعات-----
- ۱۸۹-۲-۳-۲- اسرائیلیات-----
- ۲۰۰-۲-۳-۳- تطبیقات ناروا-----
- ۲۰۷- نتیجه گیری*-----
- ۲۰۹- فهرست منابع*-----

مقدمه

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا

الإسراء(۱۷):۹

کبیرا»

ترجمه: «قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می نماید، و به آن مؤمنانی که

کارهای شایسته می کنند، مژده می دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود.»

یکی از مهم ترین علوم اسلامی و دانش های بشری، علوم قرآن مجید و تفسیر این کتاب

آسمانی - که زیربنای قانون اساسی ما و سنگ بنای تمدن اسلامی است - می باشد و لذا از زمان

نزول همواره مورد عنایت و اهتمام مسلمانان بوده است. پیامبر اکرم نیز آیات مشکل را شرح داده و

مجمل آن را تبیین می فرمود. بنابراین علاوه بر کوشش های مسلمانان در تبیین الفاظ قرآن و شأن

نزول آیات و ابعاد دیگر آن، آن چه از رسول اکرم (ص) در تفسیر قرآن به یادگار مانده بود، زیربنای

تفسیر در نخستین ادوار شد.

در طول تاریخ اسلام، دانشمندان و قرآن پژوهان شیعه برای درک مضامین عالی و معارف

بیکران قرآن مجید و شناسایی معانی آن، به تلاش فراوان و خستگی ناپذیر دست زده اند و آثار

ارزشمند و گرانقدری در این زمینه از خود به یادگار گذاشته اند که هر یک گامی نو و متفاوت در

جهت کسب معارف قرآن می باشد. بدیهی است تألیفات هر عصری منعکس کننده ی جنبش فکری

و بازگوکننده ی شکوه و شکوفائی علمی زمان خود بوده و با کندوکاو در این آثار گرانقدر می توان

چراغ عقل را با معارف گهربار قرآن روشن کرد.

غنی ترین و مطمئن ترین منبع علوم قرآنی، راسخون در علم و امامان اهل بیت (ع) می باشند،

چنان چه مطالب گزارش شده از ایشان، که اندیشمندان با مشرب های مختلف در کتاب های خود

ثبت کرده اند، بر بلندای فرهنگ روایی جای گرفته و ذخایر علوم اهل بیت را به نسل ها منتقل و تشنگان حقیقت را سیراب نموده است. کتابهایی که فقط مآثور از پیامبر و ائمه را گزارش کرده باشد، محدود بوده و تعدادشان انگشت شمار است و باید با تحقیق در این گونه کتب و روایات آمده در آن، اهداف ناجوانمردانه ی جاهلان بی غرض و یا دشمنان غرضمند را مسدود کرد تا جوانان با حقیقت تعلیمات اهل بیت (ع) و اسلام ناب محمدی آشنا گردند و دریغاً که به خاطر کم کاری دانش طلبان امروزی، گستره ی پرفروغ معارف ثقلین، نیک ارج گذاری و شناخته نشده است.

از کتاب های ارزشمندی که لازم است بیشتر شناخته گردد، تفسیر «البرهان فی تفسیر القرآن» نوشته ی سید هاشم بحرانی است که برگرفته از روایات اهل بیت (ع) می باشد و در این رساله سعی شده است با نقد و بررسی آن، اولاً گامی در جهت فهم بیشتر مفاهیم قرآن برداشته شود؛ ثانیاً به اندازه ی قطره ای از دریای علم والای ائمه بهره برده و با روایات رسیده از ایشان آگاهی حاصل شود؛ ثالثاً برخی از احادیث جعلی و ناصحیح که به دروغ به ائمه نسبت داده شده است، شناسایی و از احادیث صحیح تمییز داده شود. به عنوان نمونه: تفسیر «قی» به کوه سبز محیط بر دنیا، و خلق حوا از دنده ی چپ آدم.

برای نیل به این هدف باید ابتدا با تفسیر مآثور و ابعاد گستردگی آن تا حدی آشنا شد و نیز مروری شود بر روند تفسیرنگاری و کتب مآثوری که تا دوره ی مؤلف مورد نظر نوشته شده اند، چرا که به احتمال قوی زمینه های فکری مفسران پیشین در نگرش مؤلف البرهان نیز تأثیرگذار بوده است.

در این رساله، تحت سه عنوان روش شناسی، بررسی و نقد، به تفسیر البرهان پرداخته شده که علاوه بر ذکر سبک و اسلوب سید هاشم بحرانی و محتوای کتاب و مزایا و معایب آن، در هر سه قسمت روایاتی آورده شده است. در بخش روش شناسی، روایات شامل نمونه هایی برای انواع روایات تفسیری می باشد تا چگونگی روایات در این تفسیر واضح و مشخص شود. در بخش بررسی سعی شده است با تحلیلی در روایات ابواب شانزده گانه ای که بحرانی در مقدمه آورده، زمینه ی فکری- کلامی مؤلف واضح تر گردد و در بخش نقد، روایات جعلی و اسرائیلی و تطبیقات نادرست آورده شده و از کتب تفسیری و غیر تفسیری نقد آن ها ذکر گردیده است تا بیان گردد که البرهان نیز مثل

اغلب کتب تفسیری دیگر شامل روایات ضعیف بوده و مطلقاً گزارش از ائمه به منزله ی صحیح بودن آن نیست.

علیرغم مشکلاتی که در تنظیم این رساله وجود داشت، گردآورنده در شیوه ای که در این تحقیق به کار گرفته، سعی کرده است تا حقّ مطلب را ادا کند اما دست یافتن به آن چه در این زمینه لازم است کاری است نه چندان سهل، بل بسیار دشوار می نماید؛ با این همه امید است فوایدی هر چند مختصر را به استحضار خواننده برساند و مورد قبول درگاه ایزد منّان واقع شده باشد.

پرسش پژوهش و تبیین آن

گرایش های گوناگون و رویکردهای متفاوت عالمان در میراث مکتوب تفسیر اثر گذاشته و چگونگی تدوین آن را شکل و جهت بخشیده است. از این رو تفسیر در سیر تحولی خود گونه ها و صبغه های مختلفی یافته است.

از نخستین صبغه ها و روش های تفسیری، تفسیر به مآثور (اثری) است. تفسیر اثری ضمن این که به لحاظ استناد دشوار می نماید، به لحاظ جایگاه مهم ترین و اثرگذارترین است. برخی، تفسیر «البرهان» را در شمار تفاسیر اثری شمرده اند و در روند تفسیرنگاری و تدوین تفاسیر نقلی جایگاه مهم و ویژه ای بخشیده اند. سؤال این است که: آیا «البرهان» بر پایه ی فکری و زمینه ی ویژه ای سامان یافته است؟ و رویکرد مؤلف در چگونگی تدوین تفسیر تا چه اندازه اثرگذار بوده است؟

پرسش های پژوهش (پرسش های فرعی)

- ۱- تفسیر اثری چه نوع تفسیری است؟
- ۲- مؤلف تفسیر البرهان در نگارش، از چه پایگاه ویژه ای برخوردار بوده است؟
- ۳- این اثر از چه کاستی ها و مشکلاتی رنج می برد؟

فرضیات پژوهش

- ۱- تفسیر نقلی (آنچه حجت است) تمام منقولاتی است که به گونه ای در تبیین آیات به کار آید.
- ۲- بحرانی با نگاه تفسیرناپذیری قرآن، جریان روایات را رقم زده است.
- ۳- «البرهان» گاه به لحاظ سند (اشتمال بر احادیث بی سند یا ناستوار ...) و محتوا (روایات موضوعه، اسرائیلیات ...) و منابع (کتب غیرقابل اعتماد، مؤلفین مجهول الهویّه ...) کاستی دارد.

اهداف پژوهش و ضرورت آن

مسئله هدف هر تحقیق و پژوهش علمی، پاسخ گویی به سؤالات مطرح شده است و از آن جا که در تفسیر اثری، روایات باید از پیامبر و یا قائم مقام آن صادر شده باشد، اهمیت و ضرورت تحرّز در آن

آشکار می شود؛ چرا که همه ی روایات مأثوره، به آن درجه از حانت که وجوب یا قبول را برساند، نیستند.

پیشینه ی پژوهش

کتاب و تألیف مدون و پایان نامه ای در این موضوع نوشته نشده است و معدود مقالاتی که در لابلا ی کتاب ها یا مجلات به چشم می خورد، کتاب «البرهان فی تفسیر القرآن» و مؤلف آن را به طور اجمالی معرفی کرده اند.

- دکتر محمدحسین ذهبی در «التفسیر و المفسرون» پس از بیان مختصری از زندگانی بحرانی، انگیزه ی وی را از تألیف «البرهان» بیان نموده و مشکلات این کتاب را برمی شمرد، بعد با ذکر مثال هایی از روایات مذکور در این کتاب در چند موضوع (همه ی کتاب الهی تفسیرروایی از اهل بیت است، انتقام خدا و قائم از نسل قاتلان امام حسین(ع)، نقص در قرآن، فضائل سور) بر وی خرده می گیرد.

- در «شناخت نامه ی تفاسیر» سیدمحمدعلی ایازی در بیانی مختصر، روایات کتاب البرهان را روایات اخباری و غیرقابل اعتماد دانسته و این کتاب را مجموعه ای حدیثی، نه کتاب تفسیر، نامیده است.

- آقای معرفت در «تفسیر و مفسران»، کتاب «البرهان فی تفسیر القرآن» را جزو تفاسیر روایی آورده و بر منابع و شیوه ی استناد به ائمه اشکال گرفته اند و در پایان، در توضیحی کوتاه، شیوه ی سید بحرانی در این تفسیر را یادآور شده اند.

- مقاله ی «بازی با میراث در یک سرقت تحقیقی» در مجله ی آینه ی پژوهش توسط عبدالله ابراهیمی تنظیم شده است که ضمن مقایسه ی دو چاپ از «البرهان فی تفسیر القرآن» چند مشخصه ی این کتاب نیز ذکر شده است.

فصل اول

آشنایی با تفسیر مائور

۱-۱- مصطلحات تفسیر مآثور

۱-۱-۱- معنای لغوی تفسیر

«تفسیر» مصدر باب تفعیل از ماده ی «فسر» می باشد.

«فسر» در کتب لغت به معانی مختلف آمده است. از جمله: بیان،^۱ ابانه،^۲ آشکار ساختن امر پوشیده،^۳ اظهار معنای معقول،^۴ بیان و توضیح دادن شیء،^۵ جدا کردن^۶ و...^۷.

۱- الجوهری الفارابی، إسماعیل بن حماد؛ صحاح اللغة، الطبعة الرابع، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۶ هـ. ق، ج ۲، ص ۶۶۹ و ابن منظور، جمال الدین؛ محمد بن مکرم؛ لسان العرب، الطبعة الأولى، مؤسسه الأعلمی، بیروت. ۱۴۲۶ هـ. ق، ج ۲، ص ۳۰۳۳ و الطریحی، فخر الدین؛ مجمع البحرین، احمد الحسینی، الطبعة الثالث، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۳، ص ۴۳۷.

۲- الفیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب؛ قاموس المحيط. دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۲، ص ۱ و الحسینی الزبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ابراهیم التریزی، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۹۲ هـ. ق، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۳- ابن منظور؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۳۰۳۳ الفیروز آبادی؛ قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۰ الزبیدی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۳۲۳.

۴- الراغب اصفهانی، الحسین بن احمد؛ المفردات فی غریب القرآن، محمد سید کیلانی، الطبعة الثاني، المكتبة المرتضویه، بی جا، ۱۳۶۲ هـ. ش، ص ۳۸۰.

۵- ابن فارس، أحمد؛ معجم مقابیس اللغة، الطبعة الأولى، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۲ هـ. ق، ص ۸۱۸ و الشرتونی، سعید؛ اقرب الموارد، بی نا، بی جا، ج ۲، ص ۹۲۵.

۶- صفی پور طالب ثراه، عبدالرحیم بن عبدالکریم؛ منتهی الأرب فی لغة العرب، بی نا، بی جا: ۱۳۷۷ هـ. ق، ج ۲، ص ۹۶۴ و دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا، بی نا، تهران، ۱۲۵۸-۱۳۳۴ هـ. ش، ج ۳۷، ص ۲۵۲.

۷- کشف معنای لفظ و اظهار آن، شرح دادن مطلب پنهان، بیان نمودن معنای سخن، بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن....

در مورد ریشه‌ی اشتقاقی «تفسیر» که آیا از «فَسْر» است یا از «سَفَر»؟ در اکثر کتب لغت نظر مشخصی وجود ندارد.^۱ طبق بررسی «فَسْر» بیشتر در مورد اظهار معنای معقول و آشکار کردن مطالب علمی و «سَفَر» در خصوص آشکار کردن اعیان و اشیای خارجی و محسوس بکار می‌رود.^۲ بلاشر خاورشناس معروف، کلمه‌ی «تفسیر» را واژه‌ی اصیل در زبان عربی نمی‌داند، بلکه آن را مانند کلماتی از قبیل «تلمیذ، قیوم، کتاب، دَجَال و زندیق» لغتی دخیل و بیگانه در زبان تازی معرفی کرده و برای آن‌ها ریشه‌ی غیر عربی جستجو می‌کند.^۳ آقای بلاشر برای ادعای خود هیچ‌گونه دلیل و یا قرینه‌ی ای نمی‌آورد اما باید گفت نوع گزارش‌های لغوی نشان‌گر این است که این واژه «دخیل» نیست. سخن ابوالفتوح را می‌آوریم که به نقل از ابن دَرید گفته است: «اصل کلمه از «تفسره» است، و آن آب بیمار باشد که بر طبیب عرضه کنند تا در آن نگرد و دستور خود سازد تا به علّت بیمار راه برد و چنان چه طبیب به نظر در آن آب، کشف کند حال بیمار را، مفسّر کشف کند از شأن آیه و قصه و معنی و سبب نزول آیه».^۴

شایان ذکر است نه تنها کاربرد حقیقی واژه‌ی تفسیر، ویژه‌ی قرآن نیست، هم‌چنین به مطلق کلام و مفاهیم الفاظ اختصاص ندارد، گرچه در اثر کثرت استعمال، در مورد بیان معنا و مدلول ظاهری آیات و کشف مراد الهی و در صورت استفاده‌ی بدون قرینه، مراد، مقصود الهی از آیات قرآن است.^۵

۱- الفراهیدی، الخلیل بن أحمد؛ ترتیب کتاب العین، الطبعة الأولى، اسوه، ۱۴۱۴. قم. ه. ق. ج ۳، ص ۱۳۹۵ و الجوهری الفارابی؛ صحاح اللغة، ج ۲، ص ۶۶۹ و این فارس؛ معجم مقابیس اللغة، ص ۸۱۸ و الحسینی الزبیدی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۳، ص ۳۲۳ و صفی پور طالب ثراه؛ منتهی الأرب فی لغة العرب، ج ۲، ص ۹۶۴ و الفیروز آبادی؛ قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱ و

۲- الطریحی؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۸ و ج ۳، ص ۳۳۲ و قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۴. ش. ج ۵، ص ۷۵ و ج ۳، ص ۲۷۱.

۳- حجتی، محمد باقر؛ سه مقاله در تفسیر و نحو، چاپ اول، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۶۰. ش. ص ۱۲.

۴- رازی، ابو الفتوح؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۱. ه. ق. ج ۱، ص ۲۳.

۵- رجبی، محمود؛ روش شناسی تفسیر قرآن، چاپ اول، سمت، ۱۳۷۹. ش. تهران، ص ۹.

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی تفسیر

به عقیده ی بعضی از دانشمندان تفسیر از علومی نیست که بتوان برای آن حد و حدودی را تعریف کرد و در توضیح آن به این که بیان کلام خداست یا این که روشن کننده ی الفاظ و مفهومات آن است بسنده می کنند.^۱ آیت الله خوئی می نویسد:

«التفسيرُ هو إيضاحُ مُرادِ الله تَعَالَى مِنْ كِتَابِهِ الْعَزِيزِ»^۲

«تفسیر توضیح و کشف مراد خداوند متعال از کتاب الهی قرآن می باشد».

برخی دیگر معتقد به تعریف تفسیر شده و در آن اختلاف کرده اند که به نمونه هایی از آن

اشاره می شود:

عده ای تمام متعلقات لفظی و معنوی آیات را داخل در این علم می دانند. ابوحنیفان می گوید:

«التفسيرُ علمٌ يُبحثُ فيه عن كَيْفِيَةِ النُّطْقِ بِالْفَظِّ الْقُرْآنِيِّ وَمَدْلُولَاتِهَا وَأَحْكَامِهَا

الإِفْرَادِيَّةِ وَالتَّرْكِيبِيَّةِ وَمَعَانِيهَا الَّتِي تَحْمِلُ عَلَيْهَا حَالَةَ التَّرْكِيبِ وَتَنْتَمَتُ لِذَلِكَ»^۳

«علمی که در آن از نحوه ی تلفظ کلمات و مدلولات آن ها و مفردات و ترکیبات و

معانی آن ها و موارد دیگر بحث می کند».

عده ای علوم قرآن و فقه و قراءات و... را داخل در علم تفسیر قرآن نمی دانند. زرکشی می گوید:

«عِلْمٌ يُعْرَفُ بِهِ فَهْمُ كِتَابِ اللَّهِ الْمُنزَلِ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ (ص) وَبَيَانُ

مَعَانِيهِ وَاسْتِخْرَاجُ أَحْكَامِهِ وَكَلِمِهِ وَ...»^۴

«علمی که به وسیله ی آن کتاب نازل شده بر محمد(ص) فهمیده شده، معانی آن

بیان و احکام و کلمات آن استخراج می شوند».

۱- الذهبي، محمد حسين؛ التفسير والمفسرون، الطبعة السادسة، مكتبة وهبه، القاهرة، ۱۴۱۶هـ.ق، ج ۱، ص ۱۵.

۲- الخوئي، ابوالقاسم؛ البيان في علوم القرآن، الطبعة الثالث، المطبعة العلمية، قم، ۱۳۹۴هـ.ق، ص ۳۹۵.

۳- ابوحنيفان، محمد بن يوسف؛ البحر المحيط في التفسير، صدقي محمد جميل، دار الفكر، بيروت، ۱۴۲۰هـ.ق، ج ۱، ص ۱۵.

۴- زرکشی، بدر الدين؛ البرهان في علوم القرآن، مصطفى عبد القادر عطا، دار الفكر، بيروت، ۱۴۰۸هـ.ق، ج ۱، ص ۱۳.

و برخی این علوم را داخل در تفسیر می دانند. سیوطی می نویسد:
«عِلْمُ نَزُولِ الْآيَاتِ وَ شُنُونِهَا وَ أَقَاصِيصِهَا وَ الْأَسْبَابِ النَّازِلَةِ فِيهَا، ثُمَّ تَرْكِيْبِ
مَكِّيَّهَا وَ مَدَنِيَّهَا وَ مُحْكَمِهَا وَ مَتَشَابِهِهَا وَ نَاسِخِهَا وَ مَنسُوخِهَا وَ ...»^۱
«تفسیر علم به نزول و شأن نزول، قصص، اسباب نزول، مکی یا مدنی بودن،
محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ آیات و ..»

دقت در این تعاریف نشانگر این است که بین تعریف تفسیر و علوم قرآنی نوعی خلط اتفاق
افتاده است، از این رو نمی توان آن ها را پذیرفت.

شهید صدر با تأمل و دقت شایان توجهی به تعریف تفسیر پرداخته و با قید و توضیحی که
آورده است، گویا پذیرفتنی ترین تعریف را ارائه داده است:

«التَّفْسِيرُ يُوصَفُ عِلْمًا فَهُوَ عِلْمٌ يُبْحَثُ فِيهِ عَنِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ بِوَصْفِهِ كَلَامًا لِلَّهِ تَعَالَى»^۲

«تفسیر دانشی است که در باره ی آیات الهی از آن جهت که «کلامی الهی» است

سخن می گوید».^۳

دکتر مهدوی راد نیز این تعریف را اختیار کرده و آورده است: «بدین سان «تفسیر» یعنی
مفهوم، معنا و مقصود کلام الهی را برنمودن و چهره از مراد در آیات الهی گرفتن».^۴

۱-۱-۳- معنای لغوی اثر

در چگونگی این واژه، سخن بسیار است و عالمان و محدثان در تعریف آن همداستان نیستند.
فراهیدی می نویسد:

«أثر: باقیمانده ی هر چیزی، إثر: روغن خالص کره، أثر السيف: ضربت آن، أثروا

۱- السيوطي، جلال الدين؛ الاتقان في علوم القرآن، مؤسسه الأعلمی، بیروت، ۱۴۱۱هـ. ق، ج ۱، ص ۷.

۲- الحکیم، محمدباقر؛ علوم القرآن، المجمع الاسلامی، طهران، ۱۴۰۲هـ. ق، ص ۷۲.

۳- این تعریف مقارن با تعریف زرکشی در البرهان و ذهبی در التفسیر والمفسرون می باشد.

۴- مهدوی راد، محمدعلی؛ آفاق تفسیر، هستی نما، تهران، ۱۳۸۲هـ. ش، ص ۱۲۱.

الحديث: عدّه ای از برخی دیگر نقل کنند»^۱.

زبیدی آورده است:

«أثر: باقیمانده ی چیزی، خبر، علامت؛ در إثر و أثر دومی افصح است و اگر مراد معنی اصطلاحی باشد حرف اول آن مفتوح بوده و حرف دوم آن چند وجه دارد که اظهر آن ها کسره و فتحه است و معمولاً به فتحه شناخته شده است. صاحب واعی گفته است أثر آن است که مردی با قدم هایش در زمین آن را دنبال کرد. و گفته که: «إثر» نیز چنین است ۰۰۰ و اگر همزه مفتوح شد «ثاء» نیز مفتوح است. اصل «أثر» از «أثر مَشِيَه فِي الارض» (راه رفتنش را دنبال کرد) می باشد»^۲.

راغب اصفهانی:

«أثر هر شیئی حاصل کردن و دریافتن چیزی است که ما را به وجود آن چیز دلالت و راهنمایی می کند»^۳.

جوهری در صحاح:

«أثرتُ الحديث: آن را از دیگری نقل کردم، حدیث مأثور نیز از همین است یعنی آیندگان از پیشینیان نقل کنند»^۴.

۱-۱-۴- معنی اصطلاحی اثر

محدثان در مفهوم اصطلاحی اثر اختلاف دارند، که به اختصار به ذکر نمونه هایی می پردازیم:

۱- الفراهیدی؛ ترتیب کتاب العین، ج ۱، ص ۶۵.

۲- الحسینی الزبیدی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۰، ص ۱۲.

۳- الراغب اصفهانی؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۹.

۴- الجوهری؛ صحاح اللغة، ج ۲، ص ۵۰۰.

۵- برای مطالعات بیشتر رجوع شود به: مهدوی راد، محمدعل؛ تدوین الحديث، الطبعة الأولى، الیهادی، بیروت، ۱۴۲۸هـ.ق؛ الزمخشری اساس

البلاغه، الطبعة الأولى، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۹هـ.ق، ج ۱.